



دلیل برگزاری ایام فاطمیه/ حسنین در لحظات آخر عمر مادرشان کجا بودند؟

علت اختلاف درباره زمان شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) و مجهول بودن مدفن ایشان در میزگرد خبرگزاری فارس با عنوان «بررسی ابعاد زندگانی حضرت زهرا(س)» بررسی شد.

در میزگرد «بررسی ابعاد زندگانی حضرت زهرا(س)» مطرح شد
دلیل برگزاری ایام فاطمیه/ حسنین در لحظات آخر عمر مادرشان کجا بودند؟
علت اختلاف درباره زمان شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) و مجهول بودن مدفن ایشان در میزگرد خبرگزاری فارس با عنوان
«بررسی ابعاد زندگانی حضرت زهرا(س)» بررسی شد.

خبرگزاری فارس- آزاده لرستانی: با وجود سفارش حضرت زهرا(س) به پنهان داشتن شرایط جسمی و وضعیت روحی‌اش پس از آن رویدادهای تلخ و با وجود رازداری امیرمؤمنان(ع)، سرانجام خبر بیماری بانوی بانوان در مدینه منتشر شد و همگان از شرایط آن حضرت آگاه شدند.

آنچه بی بی دو عالم را در این شرایط سخت رنج می‌داد و امواج دردها و مصیبت‌ها و رنج‌هایی بود که هر روز بر آن افزوده می‌شد و این فشارها بود که بر رنج و بیماری برخاسته از صدمات وارده در یورش به خانه‌اش، کمک می‌کرد تا بانوی سرفراز گیتی را به بستر شهادت بکشاند.

در کنار اینها فشار سوگ پدر و گریه بسیار بر آن حضرت نیز از عواملی بود که باعث شدت بیماری و زوال شادابی و طراوت از خورشید جهان‌افروز وجود او شد، به مناسبت فرا رسیدن ایام شهادت سید زنان عالم خبرگزاری فارس میزگردی را تحت عنوان «بررسی ابعاد زندگانی حضرت زهرا(س)» در مؤسسه فرهنگی دارالحديث با حضور حجج اسلام محمدجواد مروجی طبسی نویسنده کتاب «دردانه دل‌داده» مدرس حوزه علمیه قم، حمید احمدی جلفایی نویسنده کتاب «صحیفه فاطمیه» و استاد و پژوهشگر حوزه و دانشگاه و امیرحسین ملک‌پور عضو محقق دانش نامه حضرت زهرا(س) در مؤسسه دارالحديث برگزار کرد که مشروح آن در ادامه می‌آید:

* در بررسی زندگانی حضرت زهرا(س) متوجه می‌شویم که درباره تاریخ ولادت و شهادت حضرت زهرا(س) اتفاق نظر وجود ندارد، علت را چه می‌دانید؟

- طبسی: این مسئله اختصاص به فاطمه زهرا(س) ندارد، بلکه در مورد غالب معصومین و امامان این مشکل در تاریخ ولادت و شهادت آنان وجود دارد، اما نسبت به فاطمه زهرا(س) در اینجا دو اختلاف وجود دارد، یکی از نظر مورخان اهل تسنن است که حضرت فاطمه(س) پیش از بعثت متولد شده‌اند، ابو فرج و ابو نعیم و دیگران، در بین این افراد هم اختلاف است که تاریخ ولادت در چه سالی بوده است، اختلاف دومی که وجود دارد، اخلاف میان مورخان شیعه است.

علت اختلافات درباره ولادت و شهادت سید نساء العالمین

با این وجود مورخان شیعه اتفاق نظر دارند که ولادت فاطمه زهرا(س) پس از بعثت بوده است، خوب، حالا که حضرت زهرا(س) پس از بعثت به دنیا آمده است، در مورد اینکه در چه سالی بوده است، در اینجا مشاهده می‌کنیم که یک اختلافی بین شیخ مفید، ابن طاووس و دیگران است که شیخ مفید، ابن طاووس و کفعمی می‌گویند که صدیقه کبری(س) در سال دوم بعثت متولد شده است، اما مورخان دیگر همانند ابن بابویه، کلینی و علامه حلی معتقدند که فاطمه زهرا(س) 5 سال پس از بعثت متولد شده است، پس در بین مورخان شیعه این اختلاف وجود دارد، نظر بنده این است -نظر غالب شیعه- که حضرت(س) 5 سال پس از بعثت به دنیا آمده است.

یکی از مؤیدهایی که به نظر می‌رسد که ولادت بعد از بعثت پیامبر بوده، همان جریان معراج است، به طور قطع معراج پس از بعثت

اتفاق افتاده است، در سؤال‌هایی که عایشه از پیامبر(ص) می‌پرسد، یکی از آن‌ها، راجع به حضرت فاطمه زهرا(س) که رسول خدا(ص) می‌فرماید: اصل و ریشه فاطمه از یک سیب بهشتی است که از وقتی ما را به معراج بردند، این سیب را خدا به من اهدا کرد و از این سیب فاطمه زهرا(س) متولد شد.

شاید بتوان علت این اختلاف و عدم اتفاق نظر را این گونه توضیح داد که ضبط حوادث با دقت پیگیری نشده است که مثلاً شخصی در فلان ساعت، فلان روز، فلان ماه به دنیا آمده است، این طور نبود، آنچه مسلم است اینکه تاریخ رحلت ولادت از ذهن‌ها می‌رفته است و بعدها نسل بعد تاریخ ولادت و رحلت را می‌نوشتند، من احتمال می‌دهم نقطه‌گذاری‌هایی که در صدر اسلام نبوده است، یکی از علل این اختلافات است، مثلاً نگاه کنیم بین «سبعین» نقطه اگر بالا نباشد مشخص نمی‌کند سبعین است یا ستعین یا سبعون است یا ستعون! اگر نقطه نباشد مشخص نمی‌کند، به هر حال همین عوامل سبب شده است که این اختلاف‌ها وجود داشته باشد، الا اینکه در تاریخ اهل بیت، غالباً آنچه را که شیخ مفید فرموده است مدنظر است.

با این وجود این اتفاق نظر میان علما و مورخین شیعه است ولادت حضرت در 20 جمادی الثانی اتفاق افتاده است.

- ملک‌پور: اختلاف قدر مسلم است و علت آن مشخص است، بالاخره این گونه نبوده که این تواریخ را برای ولادت و شهادت ثبت کنند.

من صحبت‌م این است که تکلیف ما در زمان حاضر چیست؟ در زمان حاضر آیا کسی نیست تاریخ را معین کند و یک تاریخ را برای عزاداری مشخص کند؟ آیا این کار مطلوب است؟ اگر این کار را علما انجام دهند، سمعاً و طاعتاً ما تابع علما هستیم، اما به شخصه نظرم این است این اختلاف مخصوصاً در مورد حضرت زهرا(س) خیلی به ما کمک می‌کند، و یک نعمت الهی است، علتش این است که وقتی روایات مجلس را بررسی می‌کنیم، به یک سلسله مجموعه روایاتی می‌رسیم که دلالت به مطلوبیت تشکیل مجالس می‌کند.

دلیل برگزاری ایام فاطمیه/آیا جلسات تنها گریه است

از جمله روایت فراوانی که در باب گرفتن مجلس برای اهل بیت(ع) وارد شده و اهل بیت این مجالس را دوست دارند، از جمله شیخ مفید در «امالی» صفحه 31 از امام صادق(ع) روایت می‌کند که ایشان به فضیل می‌فرماید: با همدیگر می‌نشینید، حدیث به یکدیگر می‌گویید، می‌گوید: بله، این کار را می‌کنیم، حضرت(ع) می‌فرماید: «انَ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبَّهَا»، من این مجالس را دوست دارم «فاحیو! امرنا یا فضیلُ فَرَحِمَ اللّٰهَ مَن احیا امرنا» این مجالس امر ما اهل بیت را - دین ما را - زنده می‌کند، (احکام و فضائل اهل بیت(ع) گفته می‌شود، امر به معرف و نهی از منکر می‌شود...)، آری! امام صادق(ع) می‌فرماید: این مجالس را دوست دارم.

امام باقر(ع) هم در جای دیگر می‌فرماید: این مجالس را دوست دارم، پیامبر(ص) در روایتی در کتاب «منیة المرید» صفحه 106 که اهل سنت از جمله ابن حنبل و دیگران هم نقل کرده‌اند، دارد که پیامبر(ص) می‌فرماید: وقتی در باغ‌های بهشت رفتید، خوب استفاده کنید، راوی می‌پرسد: ما در دنیا هستیم کو تا باغ بهشت؟! حضرت(ص) فرمود: حلقه‌های ذکر، جایی که دور هم جمع می‌شوید و یاد خدا کنید، - یاد اهل بیت می‌کنید چون در روایتی از امام باقر(ع) دارد که ذکر و یاد ما اهل بیت، هم یاد خداست، «ذکرنا من ذکرالله»، پس مجلس گرفته می‌شود، یاد خدا، یاد اهل بیت انجام می‌شود، این مطلوب خدلوند و اهل بیت است.

یا امام رضا(ع) فرمودند: خدا رحمت کند هر کسی که امر(دین) ما را احیا کند راوی می‌پرسد: «کیف یحیی امرکم» چطور امر شما را زنده می‌کنند، حضرت(ع) فرمودند: علوم ما را یاد بگیرند و به مردم یاد دهند، مردم چون محاسن و خوبی‌های کلام ما را یاد بگیرند، ما را متابعت می‌کنند.

یا از امام رضا(ع) روایت داریم که هر کس در مجلسی بنشیند که امر ما (دین ما، احکام، معارف ...)، اهل بیت احیا شود، قلبش روزی که قلب‌ها می‌میرد، قلب او نمی‌میرد، یعنی این مجالس است که ظاهرش عزااست، ظاهرش گریه است، ولی این احیاگر دین اهل بیت و احیاگر قلب حاضران در آن مجلس است؛ یعنی سرور و شادی می‌دهد.

ما شادی را بد معنی کرده‌ایم، مثلاً می‌گویند گریه افسردگی می‌آورد، آری! گریه برای دنیا این اثر را دارد، اما گریه برای آخرت گریه از خوف خدا که در روایات این همه سفارش شده نه تنها افسردگی نمی‌آورد، بلکه یک احساس سبکی و راحتی به خاطر انجام تکلیف الهی برای انسان حاصل می‌شود که خود نوعی سرور و شادی در پی دارد، یا مثلاً می‌گویند کسی که به یاد مرگ باشد، افسرده می‌شود، شما وقتی به فکر مرگ یک گل و گیاه باشید، به این گیاه می‌رسید، شاداب نگه می‌دارید، آب می‌دهید کود می‌دهید، چرا چون نمی‌خواهید بمیرد و به فکر مردن او هستید، پس چرا ما به فکر احیای قلب خود با حضور در مجالس اهل بیت نباشیم؟! و بعضی از سخن‌ها که می‌گویند مجالس اهل بیت زیاد است، چقدر گریه ... حرف‌هایی است که از زبان غافلان گفته می‌شود! نه از زبان یک محب و بچه شیعه.

در «کافی» جلد یک صفحه 410 پیامبر(ص) فرمودند: با همدیگر که ملاقات کنید و حدیث بگویید، حدیث قلب‌ها را جلا می‌دهد، پس همه این موارد دلالت می‌کند این مجالس مطلوب است، آن قدر مطلوب که برای برپایی این گونه مجالس امام سجاد(ع) اطعام می‌دهند و یکی از برکات این مجالس همین اطعام دادن است. در نقل‌ها داریم از جمله در «کافی» جلد 3 صفحه 238 که زنان بنی‌هاشم برای امام حسین(ع) مجلس عزا می‌گرفتند، امام سجاد(ع) برای آن‌ها غذا تهیه می‌کرد، ما در روایات یک مجموعه روایات در باب مطلوبیت اطعام طعام داریم.

مطلوبیت دیگر دعا است که در این مجالس تحقق پیدا می‌کند، این مجالس محل استجاب دعاست، تعداد زیادی روایت داریم که دلالت می‌کند، اگر می‌خواهید دعا کنید و دعائتان مستجاب شود، دور هم جمع شوید و دعا کنید دعا زوتر مستجاب می‌شود، چه بیماری‌های لاعلاج و مشکلات لاینحل ... که در این مجالس حل شده است.

و ذکر اهل بیت و ذکر خدا و اهل البیت در این مجالس است، مسایل دینی در این مجالس گفته می‌شود، مسایل اعتقادی، اجتماعی، سیاسی ... در این مجالس گفته می‌شود.

یکی دیگر از برکات این مجالس گریه است که آن هم بخش کوچک و مهم از مجلس را به خود اختصاص داده است، برای این گریه‌ها روایات فراوانی داریم، یک روایت این است که شیخ صدوق در کتاب «کافی» جلد 2 صفحه 264 بیان کرده است: کسی که ذکر مصیبت‌ها را کند و بعد بگیرد و دیگران را بگیراند، آن فرد چشمش زمانی که در قیامت چشم‌ها گریان است - به خاطر اعمالش - چشمش گریان نیست، یا آن روایت معروف «کافی» جلد 1 صفحه 171: من بکی او ابکی او تبکی فله الجنة» هر کس بگیرد، یا دیگران را بگیراند یا حالت گریه کننده را به خودش بگیرد بهشت جزای این فرد خواهد بود، یا آن روایت معروف «کافی» جلد 1 صفحه 171: نفس المهموم لظلمنا تسبیح و همه لنا عباد» نفس کشیدن کسی که ناراحت است به خاطر ما اهل بیت، به خاطر ظلمی که به ما شده، تسبیح است، یا غم و غصه‌اش برای ما اهل بیت عبادت است.

با توجه به همه اینها و صدها روایتی که دلالت می‌کند که تشکیل مجالس مطلوب است، چه لزومی دارد ما آن را محدود کنیم هر چی بیشتر بهتر و به حمدلله شهر قم این گونه است و قم الگو است، هیئت‌ها جمع می‌شوند و مجلس می‌گیرند به نظر من کار خیلی خوبی است، و یکی از نعمت‌ها و الطاف الهی است که خداوند به محبین و شیعیان عنایت کرده و باعث می‌شود دینشان را مسایل اجتماعی و سیاسی و ... را یاد بگیرند و همیشه در صحنه باشند و این به خاطر مشخص نبودن روز شهادت حضرت زهرا(ع) است.

همان طور که قدر حضرت زهرا(ع) مجهول است، محل دفن مجهول است، اجازه بدهید تاریخ شهادت هم مجهول بماند و ارادتمندان چند نوبت با گرفتن مجالس ابراز ارادت کنند، یقیناً این مجالس مطلوب شارع مقدس و اهل بیت است، مگر اینکه علما بیایند روی تاریخی اجماع کنند، ما تابع علما هستیم، البته چنین امری تا به حال محقق نشده است.

به هر حال فاطمیه از دهم جمادی الاول شروع می‌شود و تا 20 جمادی الثانی که تاریخ تولد ایشان است ادامه دارد؛ یعنی حدود 40 روز، در این 40 روز همه آن گریه و عزاداری نیست، دهه آخر آن شادی است، البته ناگفته نماند فقط در شهر قم این گونه است که دهه به دهه یا هر 5 روز و یا هر 3 روز مجلس می‌گیرند و دهه آخر که از 10 جمادی الثانی شروع می‌شود و تا 20 جمادی الثانی ادامه دارد، دهه شادی است که جشن میلاد فاطمی است که در این جلسات فضائل حضرت زهرا(س) مطرح می‌شود، حتی یک هیئتی در قم داریم که شاید بیش از 4 و 5 هزار نفر شب آخر چلوکباب برای شادی ولادت حضرت زهرا(س) می‌دهد، پس همه آن گریه نیست. ولی در شهرهای دیگر فقط در سیزدهم جمادی الاولی طبق قول 75 روز و سوم جمادی الثانی طبق قول 95 روز آن مجلس می‌گیرند.

البته احتیاطاً به خاطر اختلاف در شهادت پیامبر(ص) بعضی از هیئت‌ها یکی دو روز در اطراف این تاریخ‌ها مجلس می‌گیرند و حرمت نگه می‌دارند، به هر حال حرمت گرفتن 2 تاریخ اول مطلوب است و بهتر است خصوصاً امسال که فاطمیه اول در ایام عید افتاده و محبت به اهل البیت، اقتضا می‌کند که در ایام حزن اهل بیت(ع) محزون باشیم و حرمت این ایام را داشته باشیم و گرفتن مجالس عروسی را به تاریخ تولد ایشان موکول کنیم، گرچه شهر قم بهترین الگو برای محبین اهل بیت(ع) است، چون در روایت داریم که قم

خانه ما اهل بیت است و به نظرم بهتر است دیگر شهرها از قم متابعت کنند و از این خان نعمت فاطمیه بهره کافی ببرند.

- احمدی جلفائی: واقع مطلب این است که اختلافات موجود در تقویم زندگانی اهل بیت(ع) یک بحثی است که ریشه‌های طبیعی دارد و تنها مختص حضرت فاطمه زهرا(س) نیست و بلکه مختص سایر ائمه معصومین(ع) هم نیست و یک بحثی است که در طول تاریخ در سایر عرصه‌ها نیز اتفاق افتاده است، به عنوان نمونه نظیر این اختلافات پیرامون شخصیت‌های مهم و محبوب اهل سنت نیز در حیاتشان و یا در تقویم زندگیشان و سخنان آن‌ها موجود است و آن‌ها هم در خصوص شخصیت‌های معروف خودشان با وجود آنکه خیلی سعی داشتند تا تاریخ آن‌ها را ثبت کنند و بلکه بنا بر تحقیق تاریخ علوم حدیث آن‌ها نسبت به شیعه دیرینه‌تر است، شما می‌بینید که همین اختلافات در ولادت و یا در مورد حوادث و یا تاریخ رحلتشان وجود دارد و این نشان می‌دهد که اساسی‌ترین دلیل ضعف در ثبت تقویم زندگانی اهل بیت(ع) ضعف سیستم ضبط و ثبت در دوره‌های قدیم بوده است، چنان که شبیه همین قضیه درباره خود روایات ما هم هست، علما قبول دارند که بیشتر روایات منقول از قبیل نقل به مضمون هستند یعنی این گونه نبود ابزار نوشت‌افزار و وسایل ثبت و ضبط به فراوانی و پیشرفتگی امروز باشد و معصوم هر چه بر زبانش جاری می‌شده به صورت دقیق ضبط شده و به دست ما برسد، پس بسیاری از اختلافات موجود در میان متون روایی و زندگانی اهل بیت دلیل اصلیش همان ضعف سیستم ضبط و ثبت توسط مورخان بوده است.

در خط‌های قدیمی قول 95 روز پس از رحلت با قول 75 روز به احتمال قوی در نسخه‌های مادر در اصل یک چیز بوده‌اند و عدد تسعین با عدد سبعین که یکی به معنای نود و یکی هفتاد باشد، در خط قدیمی بسیار شبیه به هم هستند.

اما یک دلیل دیگر آن است که معمولاً انگیزه ثبت این گونه مطالب تاریخی از قبیل تاریخ‌های ولادت و شهادت و سن و مانند آن در میان مورخان قدیم کم بوده و عمدتاً بر پایه حدس و گمان و تخمین بوده است و دلیل مهم دیگر احتمال و بلکه وجود برخی تصحیف‌ها و تحریف‌ها در میان آثار خطی است که ناسخان آن‌ها را از روی نسخه‌های مادر تحریر کرده‌اند و هرچه سیستم خط در تاریخ مصنفات قدیمی‌تر بوده آسیب تصحیف هم به دلیل تشابه حروف و نبودن نقطه و مانند آن بیشتر احساس می‌شود.

به عنوان نمونه در نسخه‌های خطی موجود از آثاری که شبیه این گونه تواریخ در آن‌ها ثبت شده، نوع گونه‌های اختلاف در نسخه بدل‌ها به خوبی نشان می‌دهند که در خط‌های قدیمی قول 95 روز پس از رحلت با قول 75 روز به احتمال قوی در نسخه‌های مادر در اصل یک چیز بوده‌اند و عدد تسعین با عدد سبعین که یکی به معنای نود و یکی هفتاد باشد، در خط قدیمی بسیار شبیه به هم هستند و از این رو بسیاری از کاتبان در فرایند استنساخ به اشتباه افتاده و زمینه تصحیف و اشتباه پر دامنه شده است.

به هر حال احتمال ما این است که این دو گفته در میان تقویم زندگانی حضرت زهرا(س) که از لحاظ شهرت و قوت رقابت بسیار تنگاتنگی با هم دارند، هر دو یک مطلب بوده‌اند و از همین رو قول اول از همه اقوال مشهورتر و قول دوم از لحاظ مستندات روایی قوی‌تر است و درست به همان دلیل است که بنده اعتقاد دارم، هیچ‌کدام از این دو قول در مجموع فرآیند ارزیابی بر دیگری ترجیحی ندارد و باید هر 2 روز در میان شیعیان و پیروان حضرت زهرا(س) با رونق تمام مورد ملاحظه قرار بگیرد.

حاج آقا ملک پور گفتند این ایام فقط در قم بیشتر مورد احترام و عزا است، ولی بنده این را قبول ندارم و بلکه در شهرهای دیگر هم هست و ایام فاطمیه، در میان عموم مردم ایران بحمدالله محترم و توام با عزاداری و اقامه مجالس و اطعام و مانند آن است و روز به روز هم پر رنگ‌تر می‌شود، هر چند که طول این ایام در شهرهای مختلف، متفاوت باشد.

و به نظر بنده در مجموع این سیره شیعیان در رونق سازی مجالس حضرت زهرا(س) بسیار به جاست از آن جهت که حضرت زهرا تنها شخصیت زنی است که معصوم است و به عنوان یک اسوه برای کل زنان عالم مطرح است، خدای متعال 13 معصوم را از جنس مرد ارسال کرد و یک معصوم را زن آفرید تا ضمن محکوم ساختن عقاید خرافی و افراطی رایج در میان ملل گذشته و جاهلی درباره عنصر زنان یک نمونه و الگوی کاملی از آن را نیز به جهانیان نشان دهد.

آری! کسی که معصوم نباشد نمی‌تواند اسوه باشد و درباره آن حضرت به عنوان اسوه جامعی برای همه زنان عالم واقعاً جا دارد که بیشتر از همه معصومین دیگر مجالس پربار برقرار باشد و بحث‌های معرفتی و درس‌هایی که از زندگی حضرت می‌توان گرفت موşkافی شود.

دلیل دیگر آنکه وجود نازنین حضرت فاطمه زهرا(س) در تاریخ اسلام یک نقش کلیدی و محوری خاصی دارند و در واقع مبدا ملموس افتراق مذهب در اسلام و پیدایش دو مکتب شیعه و سنی مربوط به وقایعی است که حضرت زهرا(س) ارتباط تنگاتنگی با آن‌ها داشتند و به همان خاطر این مباحث به صورت منصفانه و به دور از نزاع و خصومت و با ملاحظه مباحث تقریب مذهبی واقعاً باید جدی گرفته شوند، چون همه این وقایع به عنوان پایه‌ها و ارکان تاریخ تشیع محسوب می‌شوند.

6 روز ایام فاطمیه در ماه جمادی الاول و جمادی الثانی/روز شهادت فاطمه(س) چه تاریخی است؟

* ایام فاطمیه چه روزهایی هست و کدام روزها را باید برای شهادت بی بی دو عالم سوگواری کرد، چرا ایام مختلفی ذکر می‌شود؟

– طبسی: درباره فاطمه سه چیز نامعلوم است، همان طور که آقای ملک پور بیان کردند، یکی مقام و منزلت حضرت فاطمه است، اصلاً برای هیچ کس مشخص نیست، فرمود: اگر به فضیلت شب قدر رسیدید، به شخصیت فاطمه خواهید رسید، چون کسی به فضیلت شب قدر نمی‌رسد، پس شخصیت فاطمه بر کسی معلوم نیست، کار ندارم به اینکه معصومین بیاناتی را راجع به حضرت فاطمه(س) فرمودند، اما واقعاً چهره فاطمه آن طوری که باید مشخص نشده است و فقط روز قیامت مشخص می‌شود، مسئله دومی که راجع به حضرت زهرا(س) مجهول و پنهان است مسئله سالروز رحلت حضرت است که الان بحثش شد، مسئله سوم که نامعلوم است، راجع به محل دفن حضرت فاطمه است که ان شاء الله بحث خواهد شد، به تعبیر آقای ملک پور شاید مصلحتی است و ما نمی‌دانیم.

– ملک‌پور: دقیقاً

– طبسی: آثار و برکاتی مترتب است، 75 روز است، سه روز ایام فاطمیه است، 95 روز است و سه روز ایام فاطمیه است، این روزهایی است که از بیانات برادران مطرح شد، این است که استفاده شده یا 95 روز یا 75 روز، در مجموع می‌شود 6 روز ایام فاطمیه است، 3 روز در جمادی‌الاول و سه روز در جمادی‌الثانی.

* پس 2 دهه فاطمیه که ذکر می‌شود سندیت ندارد؟

– احمدی جلفایی: ایام فاطمیه‌ای در روایات گفته نشده است.

– ملک‌پور: سندیتی ندارد، 3 روز، 5 روز می‌گیرند

– طبسی: غالباً هیئتی‌ها می‌گیرند، و روایت به خصوصی ندارد، این سه روزی که در این دو ماه مطرح می‌شود، به خاطر این است که زمان رحلت پیامبر(ص) مشخص نیست.

– ملک‌پور: البته یک منشاء دقیق را می‌توان ذوقی گفت، چون در روایت امام رضا(ع) داریم: که وقتی ماه محرم شروع می‌شد، غم و

غصه بر پدرم -امام کاظم(ع)- غلبه می‌کرد تا وقتی که 10 روز می‌گذشت، روز دهم روز حزن و مصیبت و گریه‌اش بود و این ده روز را روز حزن و اندوه و اشک می‌گرفتند، لذا شاید از این روایت 10 روز مجلس گرفتن باب شده باشد.

- طبسی: اینکه سنت اهل بیت(ع) است.

- ملک‌پور: بله، ما هم پیرو اهل بیت هستیم، شاید از همین سنت است که دهه گرفتن باب شده است، یک باب دیگر هم شده است گاهی بین دو ولادت یا شهادت مانند تولد امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س)، دهه کرامت می‌گیرند.

-طبسی: از نظر روایی نداریم.

- ملک‌پور: بله از نظر روایی چیزی متقن نداریم، ولی با توجه به گفته‌هایم در باب مجلس و مطلوبیت آن نزد خداوند و اهل بیت و برکات آن و اینکه هیچ ضرری در دین بر آن مترتب نیست، بلکه پر از منفعت دینی است، گرفتن ده روز نه تنها بالا مانع است، بلکه مطلوب هم هست.

- احمدی جلفایی: ایام فاطمیه به عنوان یادبود و همایشی است ذوقی و برخاسته از طبع سلیم و ادب فطری شیعیان در آستان کامل‌ترین انسان‌های روی زمین که برای این شخصیت‌ها و گل‌های بی‌عیب خلقت گرفته می‌شود. همان گونه الان در تمام دنیا در ابعاد مختلف مردم برای شخصیت‌های مورد احترام و تقدیر خود بر پا می‌کنند.

جز آنکه یک سری روایات معتبر نیز این ادب و احترام و مجالس را تایید کرده و به ویژه روزهای شهادت و ولادت و مانند آن را به مومنان تاکید کرده است، بنابراین خود روز شهادت حضرت باید مجالس عزا به صورت شایسته برگزار شده و همه ایران غرق در عزا مثل عاشورا شود و این در مورد هر دو روز شهادت صدق می‌کند.

اما در این که ایام پیوسته‌ای نیز به آن ضم شود و این ایام چند روز باشد، انصاف مطلب این است که بحثی ذوقی است و بسته به سنت‌های هر قوم و شهر و روستا و نیز موقعیت‌ها می‌تواند متفاوت باشد.

اما باید این مجالس که گرفته می‌شود، سال به سال شایسته‌تر و هدفمندتر باشد، وقتی مجالس هدفمند باشد، یک سال هم برای حضرت زهرا مجلس یادبود گرفته شود، اشکالی ندارد، باید مجالس از صرف گریه و نوحه خوانی فراتر رفته و مجالس معرفت و تلاوت قرآن و تفسیر قرآن و احکام و اطعام و کمک به فقرا و با آن قرین شود، بنابراین درباره مدت این ایام غیر از خود ایام شهادت محدوده گذاری در شرع نشده است.

* مطرح شد که ایام فاطمیه در مجموع شش روز است، در فاصله 75 تا 95 روز وظیفه مردم چیست؟

- احمدی جلفایی: اما بنده به نوبه خود امسال یک توصیه‌ای از طرف همه علما و دوستان مطرح می‌کنم و آن درباره این است که امسال ایام فاطمیه مصادف با ایام عید نوروز می‌شود، یک بحث کلی را شیعیان باید مدنظر داشته باشند و آن اینکه ما در ایران، یک سری مناسبت‌های ملی داریم، در جامعه که هر کشور دیگری نیز شبیه آن‌ها را دارد و در مقابل یک سری مناسبت‌های شرعی و دینی داریم که گاهی با هم مصادف می‌شوند.

اما بحث تعارض میان این مناسبت‌ها، یک بحثی است که در خود تعالیم اسلامی به آن توجه کافی شده و ائمه یک سری توصیه‌هایی دارند که در بعضی از روایات منعکس شده، و حاصل آن‌ها این است که اسلام مناسبت‌های ملی هر کشوری را از جمله نوروز در ایران تا زمانی که مبنای آن خرافه قطعی و جاهلیت ریشه‌دار نباشد، به رسمیت می‌شناسد و آن‌ها را محترم می‌داند، اما به شرطی که اصول شرعی و دینی در این برگزاری و رسوم این مناسبت‌ها مراعات شود و از محدوده‌های شرعی تجاوز نشود.

از نظر اسلام وقتی مناسبت‌های ملی با مناسبت‌های شرعی با هم مصادفت پیدا کردند، مثلاً اگر روز شهادتی با مناسبت‌های خاص

شادی ملی تلاقی پیدا کردند وظیفه شیعیان آن است که مناسبت‌های شرعی را به مناسبت‌های ملی ترجیح بدهند.

از این رو ما حتی در مورد عید نوروز روایاتی داریم که در آن‌ها اصل عید محترم شمرده شده و بلکه برخی آداب آن دقیقاً در اسلام جز مهم‌ترین توصیه‌ها محسوب می‌شود مثل صله رحم، دید و بازدید، هدیه دادن، بچه‌ها را شاد کردن، نظافت سالیانه، به طبیعت در آمدن، آشتی ایجاد کردن میان همدیگر و غیره.

منتها از نظر اسلام 2 نکته وجود دارد که در این زمینه باید نادیده گرفته نشود: یکی اینکه مناسبت‌های شرعی در اسلام مثل اعیاد دینی و روزهای شهادت و ولادت و مانند آن قطعاً نسبت به مناسبات ملی ارجح و افضل هستند به خاطر اینکه مناسبت‌های ملی ریشه در سنت‌ها، عقاید و رفتارهای قومی و ملی دارند، اما مناسبت‌های دینی ریشه در عقاید دینی و اعتقادی و باورها و مبانی و تعالیم آسمانی دارد و قطعاً این بر آن می‌چربد و به همان خاطر از نظر اسلام وقتی مناسبت‌های ملی با مناسبت‌های شرعی با هم مصادفت پیدا کردند، مثلاً اگر روز شهادتی با مناسبت‌های خاص شادی ملی تلاقی پیدا کردند وظیفه شیعیان آن است که مناسبت‌های شرعی را به مناسبت‌های ملی ترجیح بدهند، البته نه به این معنا که مناسبت‌های ملی را کلاً تعطیل کنند، بلکه حال و هوای این مناسبت‌های شرعی در رفتارها و کردارهای شیعیان و مسلمانان باید نمود داشته باشد و عزاداری آنان و شریک بودنشان در غم اهل بیت باید ملموس باشد.

باید به این نکته توجه داشته باشیم که ما وقتی یکی از بستگان معمولی خود را از دست می‌دهیم آن سال معمولاً شادی عیدمان را طبق توقع عرف خودمان کم می‌کنیم و حالت عزا به خود می‌گیریم، پس توقع به جایی است که اگر روز شهادت امامی هم‌ام با این ایام نیز مصادف شد به آن کمتر از یک عزای معمولی بها ندهیم.

* کدام قول درباره مدفن حضرت زهرا(س) معتبرتر است؟

– طبسی: در طول 51 سفری که رفتم، زیاد پرسیدند که بالاخره مدفن حضرت فاطمه کجاست؟ با مراجعه به متون تاریخی ما در غیر از 3 جا، هیچ جای دیگر را ندیدیم که مدفن حضرت زهرا کجاست؟ یکی در بقیع است که سند آن ضعیف است، دیگری در روضه پیامبر(ص) است و مکان سومی که نقل کردند خانه خود حضرت(س) است.

اینکه اگر مدفن حضرت(س) در بقیع، کدام نقطه است، کسی نتوانسته بگوید کجا، یعنی نتوانسته دست روی یک نقطه معینی بگذارد یا در روضه و خانه هم همین طور، ظاهراً ابن ابی‌شیه در تاریخ مدینه می‌گوید: فاطمه(س) آنجایی که رحلت کرد، در همان جا دفن شد، حالا این کجاست! بیان نکرده است.

امام رضا(ع) می‌فرماید که پیکر حضرت زهرا را حتی از خانه بیرون نیاوردند و در داخل خود خانه حضرت دفن است که مشهور و صحیح و معتبر هم همین است، صدوق، کلینی، طوسی، حلی و دیگران آن را نقل کرده‌اند.

در ادامه نقل می‌کند که حضرت به اسما یا سلما فرمود: این رختخواب من را وسط حیات بگذار، در همان حیاط خانه و در فضای باز خانه دارفانی را وداع گفت، اما نسبت به بقیع چندین مورخ از جمله ابن بابویه، ابن شهر آشوب و مسعودی معتقد هستند که حضرت زهرا(س) در بقیع دفن شده است، اما همان طور که مستحضر هستید و در تاریخ است، اینها گفته‌هایی بدون سند است.

در یک روایتی مطرح شده که مدفن حضرت در داخل بقیع است، چون به ماجرای شهادت امام حسن مجتبی(ع) استناد کرده است که مرا نزد مادرم دفن کنید، و در زبان عربی هم به مادر و هم به مادر بزرگ، مادر می‌گویند، پس نتیجه گرفته چون امام حسن چنین فرمودند، پس حضرت زهرا(س) در بقیع دفن است هر چند که روایت ضعیفی است و روایتی درباره دفن در بقیع ظاهراً از اهل بیت نرسیده و مورخین چنین گفتند.

قول دوم: روضه؛ از خانه پیغمبر که بیرون بیایید تا منبر پیامبر این فضا را روضه می‌گویند، عرض و طولش مشخص است، حالا چرا به این مکان روضه می‌گویند بعضی‌ها نوشتند، چون قطعه‌ای از بهشت است و استناد به فرموده پیامبر(ص) کردند که فرمود: منبر من

روی یکی از درهای بهشتی قرار گرفته است، حالا این روایت را مدنظر بگیرید، روضه یک مکان مقدس است که غالباً محل نماز و محل جلوس و محل ملاقات‌های پیامبر(ص) بوده است، چون بیشتر رفت و آمدهای پیامبر در این مکان بوده است، برخی دیگر گفتند که روضه باغ بهشتی است به این خاطر که محل دفن حضرت فاطمه زهرا(س) است، لذا فرمودند هر کجا معصومی دفن بشود، همان جا روضه بهشتی است.

درباره قول دوم روایت بیان می‌کند که حضرت در روضه دفن است، قول سوم منزل خود حضرت زهراست که بنده هم به این مسئله اعتقاد دارم، امام رضا(ع) می‌فرمایند که پیکر حضرت زهرا را حتی از خانه بیرون نیاوردند و در داخل خود خانه حضرت دفن است که مشهور و صحیح و معتبر هم همین است، صدوق، کلینی، طوسی، حلی و دیگران آن را نقل کرده‌اند.

شیخ صدوق می‌فرماید: قول صحیح همان روایتی است که پدرم (ابن بابویه) نقل کرده است که در داخل خانه است، علامه مجلسی که در کتابش فرمودند که نقل صحیح‌تر آن است که ایشان در خانه دفن شده است، از امام رضا (ع) وقتی درباره قبر حضرت زهرا(س) سؤال کردند، ایشان جواب دادند که حضرت(س) در خانه‌اش دفن شده است، برای اینکه جمعی بین روایات خانه و روضه داده شود، فرمودند: وقتی بنی‌امیه فضای مسجد را توسعه دادند، قبر ایشان در مسجد افتاد، این تعبیر امام رضا(ع) که ایشان فرمودند، ابن ابی‌شبیبه هم در تاریخ مدینه نقل می‌کند که مدفن حضرت فاطمه(س) در مکانی است که در دوران بیماری در آن بستری بود، هما جا دفن است، این خلاصه بحث‌هایی است که حضرت زهرا(س) در کجا دفن شدند.

- احمدی جلفایی: البته بنده در سال گذشته در این خصوص بحث جامعی را ارائه دادم اما در این جا فقط به این نکته اشاره می‌کنم که طبق محاسبات برخی از اهل تحقیق جمع میان دو گفته خانه حضرت و میان قبر و روضه امکان‌پذیر است و این دو قول باهم منافاتی ندارند و این خود قول بقیع را ضعیف‌تر می‌کند.

یعنی مابین قبر رسول و روضه بر خانه حضرت نیز صدق می‌کند، و در واقع در تحولات بعدی تاریخی خانه حضرت در این فاصله از بین رفته و قبر حضرت نیز به احتمال قوی همان جا است.

البته این گفته قطعی نیست و برای شناخت محل دقیق قبر حضرت باید منتظر ظهور مهدی موعود(عج) باشیم.

- طبسی: برخی‌ها فکر می‌کنند که پیامبر در داخل خانه عایشه دفن شدند، در حالی که پیامبر(ص) یک اتاقکی داشت که پشت خانه فاطمه بود و یک روزنه در آنجا قرار داشت که پیامبر از آنجا با حضرت فاطمه(س) قبل از خواب صحبت می‌کرده، اصلاً خانه عایشه رو به قبله بوده است که بعدها عایشه خانه خود را به معاویه فروخت، خلاصه برخی اعتقاد دارند که پیامبر در خانه خودش دفن شده است و در خانه هیچ یک از همراهانش دفن نشده است و این همان خانه‌ای است که متصل به خانه فاطمه بوده است.

- احمدی جلفایی: پس مابین خانه و روضه صدق می‌کند، با این وجود دو تا قول دیگر با هم قابل جمع است.

- ملک‌پور: قطع یقین پیامبر(ص) در اتاق شخصی خودشان دفن شده است.

* شب شهادت حضرت زهرا(س) تشییع جنازه‌ای صورت می‌گیرد، حضرت سفارش یک تابوت خاصی می‌دهند، اگر این روایت است پس چگونه قابل جمع است؟

- طبسی: یک روایت از امام صادق(ع) هست، اما سند آن معلوم نیست.

- ملک‌پور: یکی از دلایلی که می‌گویند امیرالمؤمنین(ع) پیکر حضرت زهرا(س) را به بقیع بردند، همین است که می‌گویند چون تشییع داشته، متشییعین داشته، کلی نقل داریم، البته از آنجا که باید مخفی باشد و خودش وصیت کرده است که کسی متوجه نشود، باید در خانه دفن شده باشد و برای این هم کلی نقل داریم و تمام این 3 تا قولی که حاج آقا طبسی بیان کردند، مویداتی دارد که این مویدات مانع از رد کردن و یا قبول کردن قول دیگر می‌شود، همان حرف اولی که گفته شد قدرش مجهول است، قبرش مجهول است، تاریخ شهادت هم مجهول است، ایشان باید همین گونه مجهول بمانند و در روایت در باب علت نامگذاری این خانم به نام فاطمه(س)، به این مجهولیت اشاره شده، در کتاب #171؛ تفسیر فرات کوفی» صفحه 581، از امام صادق(ع) روایت آورده که #171؛ انما سمیت فاطمة لان الخلق فطموا عن معرفتها»، همانا نام وی را فاطمه گذاشتند زیرا که تمامی مخلوقات خداوند از شناخت او عاجز و کنارگذاشته شدند.

- احمدی جلفایی: ما ثابت کردیم در خانه‌اش است.

- طبسی: شیخ مفید هم روایت دارند.

* حجم خانه حضرت زهرا چقدر بوده است؟

- طبسی: 70 متر، 2 تا اتاق، قبر ایشان در منزل جا می‌شده است.

* لحظات آخر عمر حضرت صدیقه کبری(س) چگونه سپری شد، اهل بیت فاطمه(س) چگونه با ایشان وداع کردند؟

- طبسی: دوران بیماری فاطمه(س) به سرعت و سریع سپری شد که 75 یا 95 روز بوده است، مورخان 3 زن را به عنوان پرستار حضرت(س) ذکر می‌کنند یکی سلما همسر ابورافع و دیگری، اسما همسر ابوبکر که قبل از آن همسر جعفر طیار و بعدها هم همسر حضرت امیر(ع) شد و ام ایمن که به کمک حضرت امیر می‌رفتند، در اینجا روایت زیادی ماجرای احتضار حضرت زهرا(س) نقل می‌کنند که من به 2 مورد اشاره می‌کنم:

شیرین‌ترین زندگی در عالم/تصمیمی که حضرت زهرا(س) برای استحکام خانواده گرفت

بعضی نوشتند که در موقع احتضار فاطمه(س)، امام علی(ع) در منزل نبودند، بعضی‌ها نوشتند در کنار ایشان در خانه بودند و حتی حضرت فاطمه(س) وصیت‌هایی داشتند که امیرمؤمنان آن 2 زن را مرخص کردند یا هدایت کردند به داخل اتاق یا بیرون که بتوانند وصیت حضرت زهرا(س) را در آن لحظات آخر بشنوند، اینجا ابن قتال نیشابوری می‌گوید: حضرت زهرا(س) در این حالت از ام‌ایمن، اسما، سلما و از امام علی(ع) خواست تا بیاید و فرمود: گویا لحظه به لحظه دارم به پدرم نزدیک می‌شوم، وصیتی دارم، فرمود: هر چی داری بگو که من عمل می‌کنم، صدیقه کبری اول سراغ روزهای زندگی خودشان رفتند، واقعاً مو بر تن من راست می‌شود، هر وقت من این سخنان را از زبان فاطمه زهرا(س) می‌شنوم و می‌خوانم، واقعاً باید برای بانوان جامعه ما یک درسی باشد.

فرمود: در مدتی که من با تو معاشرت داشتم، دروغ از من شنیدی، خیانت دیدی، خطایی از من دیدی، حضرت(ع) فرمود: هرگز! در وجود تو، غیر از علم و معرفت، فضیلت، ... چیز دیگری ندیدم، تو گرامی‌تری، با فضیلت‌تری و... به هر حال هرگز مخالفتی ندیدم، بعد حضرت(ع) به ابراز ارادت و علاقه خودش به فاطمه می‌پردازد و فرمود: که به راستی دوری تو، فقدان تو برای من بسیار مشکل و ناگوار است چه باید کرد، مصیبت تو، مصیبت پیغمبر(ص) را برای من تجدید کرد و فوت تو و از دست دادن تو برای من بسیار سنگین است، این نشان می‌دهد که زن و مرد عاشقانه با هم زندگی می‌کنند، زن و شوهر باید وفادار به یکدیگر باشند.

دلیل اینکه فاطمیه باید تکرار و زنده نگه داشته شود، این است که زیبایی‌های زندگی حضرت فاطمه(س) را برای مردم نقل کنیم، به نظر من در دنیا شیرین‌تر از زندگی علی و فاطمه در عالم هستی نداریم، حتی شیرین‌تر از زندگی پیامبر!

در ادامه روایت نقل می‌کند که یک ساعت با یکدیگر گریه کردند، در ادامه چند وصیت حضرت را عرض کنم، ایشان فرمود: ای پسر عموی پیغمبر خدا، خداوند به تو بهترین روزگار را عطا کند، وصیت می‌کنم پس از من با امامه دختر خواهرم ازدواج کن، چون مرد باید همسر داشته باشد، نکته بسیار مهم و آموزنده از سیره بسیار زیبای حضرت فاطمه(س) این است که اگر زن فهمید که به زودی از دنیا می‌رود، برای حفظ خانواده و از هم نپاشیدن آن یک وصیت این چنینی داشته باشد که فاطمه زهرا(س) فرمود با دختر خواهرم ازدواج کن، چون برای فرزندانمان مانند من است.

وصیت دوم: بر کسانی که به من ستم کردند، حقم را بردند مگذار بر جنازه من حاضر شوند، نگذار کسی از آن‌ها و پیروان آن‌ها بر من نماز بخواند و بعد فرمود: مرا در شب هنگامی که چشم‌ها آرام گرفت دفن کنن.

وصیت پنجم: تو از دیگران به من سزاوارتری، غسل بده و دفن کن، ششم: به هر یک از همسران پیامبر یک مقداری که در تاریخ آمده است 12 اوقیه، به زنان بنی‌هاشم مقداری پرداخت کن و به امام فرمود: یک روز نزد فرزندانم باش و یک روز در نزد همسرت باش، بعد فرمود به حسن و حسین (حسنین) فریاد زن، اینها احساسات و عواطف مادری است، چون این‌ها یتیم هستند، به تازگی پدر بزرگشان و حالا مادرشان را از دست می‌دهند، بالاخره خیلی هوای آن‌ها را داشته باش.

سلام مرا به فرزندانم برسان، یعنی به نوادگان فاطمه زهرا(س) تا روز قیامت، هر کسی از نواده‌های فاطمه باشد، فاطمه 1400 سال پیش فرستاده است.

بعد فاطمه زهرا(س) فرمود: برای من گریه کن، پس برای فاطمه(س) گریه می‌کنیم، توصیه خود حضرت زهرا(س) به امیرمؤمنان(ع) است، همانند گریه پیغمبر زبیرا پیغمبر(ص) هر موقع به یاد خدیجه می‌افتاد، اشکشان جاری می‌شد، این می‌رساند که چقدر به هم علاقه داشتند، امیرمؤمنان هم همین‌طور، فرمود: بر من گریه کن و بر یتیمان من گریه کن به خصوص کشته کربلا را فراموش نکن، وصیت دوازدهم: عزیزم بر من نماز بخوان مرا در قبر بگذار و خاک بر روی من بریز، بالا سر قبر بنشین، مقابل صورتم قرآن بخوان، دعا بخوان، زیرا آن لحظه‌ای است که اموات با احیا یک ارتباطی دارند که نباید فراموش بشود، بعد فرمود: سلام مرا به فرزندانم برسان، یعنی به نوادگان فاطمه زهرا(س) تا روز قیامت، هر کسی از نواده‌های فاطمه باشد، فاطمه 1400 سال پیش فرستاده است، با یک سلام می‌تواند سرنوشت یک فرزند چه دختر و چه پسر را عوض کند.

شیخ مفید نقل می‌کند: فاطمه فرمود: هرگاه ام‌کثوم سن تکلیف و به سن ازدواج رسید، اثاث خانه را به عنوان جهیزیه به او بدهد، این 12 وصیت، بعد فرمود: برای من تابوت درست کن.

گاهی اوقات حضرت چیزهایی را فرمودند که اهمیت حجاب را برسانند، فرمود: من می‌بینم که زن‌ها را بیرون می‌برند و حجم اندامشان پیداست، من دوست ندارم و خوشم نمی‌آید، می‌خواهم بدنم پوشیده باشد و علاوه بر آن کلاً حجم بدنم پوشیده باشد، لذا در یک روایت دارد که به امیرمؤمنان(ع) فرمود ملائک را دیدم که یک جنازه برای من درست کردند و توضیح داد، یک روایت دیگر دارد که حضرت(س) به اسما فرمود: من دوست ندارم و ناراحت هستم، اسماء همسر جعفر مطرح می‌کند که در حبشه دیدم، جنازه‌ها این‌گونه است... حضرت(س) در اینجا یک خنده‌ای کرد، در این مدت بیماری حضرت فاطمه(س) یک همچنین لبخندی نزده بود، چون می‌دانست به این عمل می‌شود و اندامش پیدا نخواهد شد، روایت خیلی مفصل است، حضرت فاطمه(س) ظاهراً بین نماز مغرب و عشا دارفانی را وداع گفته است.

علت شهادت بی‌بی دو عالم/حسین در لحظات آخر عمر مادرشان کجا بودند؟

* فرزندان حضرت زهرا(س) در آن لحظه‌های آخر کجا بودند؟

- ملک‌پور: لحظات آخر، ایام آخر، بعد از پیامبر(ص) سخت‌ترین لحظات برای حضرت زهرا(س) بود، حش را غصب کردند، خانه‌شان را آتش زدند، حرمتش را شکستند، محسنش را کشتند، گفته‌ها و استدلال‌های محکمش به قرآن را قبول نکردند، او را مدتی طولانی در بستر بیماری قرار دادند، آن قدر که در روایت داریم در کتاب «تاریخ طبری« جلد 11 صفحه 599 که از کتب اهل سنت است و کتاب‌های دیگر آورده‌اند، بر اثر بیماری «کانت تذوب« بدن ایشان ذوب و آب شده بود و در کتاب «دعائم الاسلام« جلد 1 صفحه 232 آمده «نحل جسمها حتی کان کالخیال« آنقدر بر اثر بیماری جسمش ضعیف و فرسوده شده بود که از وی یک خیال و شبیهی باقی مانده بود، مریضی‌هایی که حتی امام صادق(ع) فرمودند: علت شهادت مادرم فاطمه ضرباتی بود که به بازویش با غلاف شمشیر و تازیانه خورد و مثل بازوبند دستش کبود و ورم و باد کرد، این ایام - ایام مریضی - خیلی سختی داشتند، بر اساس شعری که شاعر گفته، آخر نشد شانه از درد شانه موی زینب!

این ایام 75 یا 95 روز نتوانست آن طور که باید و شاید به بچه‌هایش برسد. گاهی انسان احساس می‌کند مثلاً چون زود از دنیا دست شست به فکر بچه‌هایش نبود، دو نکته را حاج آقا طبسی فرمودند که در وصایا به این مضمون وارد شده، که ایشان در وصایایشان، فرمودند: امامه دختر خواهرم را بگیر، چون برای بچه‌هایم مثل خودم مهربان است، بعد می‌فرماید یک شب پیش بچه‌هایم باش و یک شب پیش همسرت، با بچه‌هایم مهربان باش، آن‌ها یتیم هستند، با آن‌ها به تندی برخورد نکن، اینها نشان می‌دهد که به فکر کودکانش بوده، حتی به فکر بعد از خودش هم بوده است.

دو فرزندش را در آغوش کشید، ظاهر¹ حسن و حسین بوده، آن‌ها را به خود چسباند، بعد به آن‌ها گفت: یک مدت پیش پدرتان باشید و خانه نیایید، امیرمؤمنان(ع) در کناری نماز می‌خواند، به آن‌ها فرمود یک مدت پیش پدرتان بمانید خانه نیایید، چرا؟! پیداست نمی‌خواهد حالت احتضار مادر را بچه‌ها ببینید، عاطفه مادری اقتضا می‌کند صحنه جان دادن مادر را از بچه‌ها مخفی کند.

اجازه دهید من چند نکته را اضافه کنم، مطلب عجیبی از لحظات آخر حضرت(س) را خوارزمی در مقتلش جلد یک صفحه 185، نقل می‌کند و با متون حدیثی ما سازگار است، می‌گوید: لحظات آخر فاطمه زهرا(س) حالش خوب شد و بالاخره پس از مدت‌ها به خانه و بچه‌ها رسیدگی کرد و خودش بچه‌ها را توی روضه پیامبر(ص) برد.

در روایت داریم که هر فرد در آخرین لحظاته‌اش خدا یک افافه‌ای به او می‌دهد و حالش را خوب می‌کند تا وصیت کند این حق محتضر است، خداوند این حق را به حضرت زهرا(س) داد، خوارزمی می‌گوید: در لحظات آخر حالش نسبتاً خوب شد کمی به خانه و

بچه‌هایش رسید، بعد دست بچه‌هایش را گرفت و از خانه بیرون آمد و داخل روضه پیامبر(ص) شد، با توجه به اینکه پایش را از خانه بیرون بگذارد، وارد روضه پیامبر(ص) می‌شود، لذا چندان زحمتی ندارد، بچه‌ها را آورد توی روضه پیامبر(ص) دارد که دو رکعت نماز خواند.

یک نکته‌ای که جدیداً به آن توجه کردم، این است که بعد از اینکه دو رکعت نماز خواند، دو فرزندش را در آغوش کشید، ظاهراً حسن و حسین بوده، آن‌ها را به خود چسباند «؛التزمهما» بعد به آن‌ها گفت: یک مدت پیش پدرتان باشید و خانه نیابید، امیرمؤمنان(ع) در کناری نماز می‌خواند، به آن‌ها فرمود یک مدت پیش پدرتان بمانید خانه نیابید، چرا؟! پیداست نمی‌خواهد حالت احتضار مادر را بچه‌ها ببینید، عاطفه مادری اقتضا می‌کند صحنه جان دادن مادر را از بچه‌ها مخفی کند، بعد می‌گوید: رفت خانه از اسماء آب خواست، غسل کرد و آماده سفر آخرت شد، به اسماء فرمود: بعد از مدتی مرا صدا بزن، اگر جواب دادم که هیچ اما اگر جواب ندادم، بدان که از دنیا رفته‌ام، برو علی را خبر کن، بعد هم اسماء می‌گوید: بعد از مدتی صدا زدم، ای دختر پیامبر! جواب نیامد، ای دختر خیرالبشر! جواب نیامد، چند بار صدا زدم جواب نیامد، بعد در را باز کردم دیدم که جان به جان آفرین تقدیم کرده، در همین موقع بچه‌ها وارد می‌شوند، اسماء می‌خواهد آن‌ها را از مادر غافل کند می‌گویند ما شنیدیم که منادی یتیمان زهرا را ندا می‌داد، متوجه می‌شود که بچه‌ها باخبرند.

در نقل «؛كشف الغمة» جلد 2 صفحه 126 دارد، وقتی که حسنین(ع) با جسد بی‌جان مادر روبرو می‌شوند، امام حسن(ع) دارد می‌آید مادر را می‌بوسد و می‌گوید: یا امه با من صحبت کن، قبل از اینکه روح از بدنم جدا شود، امام حسین(ع) می‌آید پای مادر را می‌بوسد و می‌گوید: مادر من حسین توام با من صحبت کن، قبل از اینکه قلبم پاره پاره شود و بمیرم، در اینجا اسماء، در واقع برای بلند کردن بچه‌ها از روی مادر زرنگی می‌کند و می‌گوید: پدرتان را خبر کنید که در نقل‌ها داریم امیرالمؤمنین(ع) وقتی با خبر شد با صورت به زمین می‌افتد و می‌آیند طبق وصیت حضرت شبانه غسل و کفن می‌کند و در دل شب زهرایش را دفن می‌کند.

بی‌بی دو عالم به شهادت رسید، مردم هجوم آوردند، چاپلوسان برای عرض تسلیت آمدند می‌گویند، حسنین(ع) کنار امام علی(ع) نشسته بودند و مردم به گریه آن دو تا بچه گریه می‌کردند، معلوم می‌شود که داغ خیلی سنگین بوده است.

این نکته خیلی جالبه که بی‌بی لحظات آخر به فکر کودکانشان بوده و از خانه آن‌ها را بیرون می‌برد تا صحنه جان دادن مادر را نبینند، این‌ها کمتر گفته شده است و یک نکته هم حاج آقا طبسی بیان کردند که مادر به فکر بچه‌هایش است علامه مجلسی در جلد 82 صفحه 27 از کتاب «؛مصباح الانوار» نقل می‌کند: توی وصایا حضرت همانند همه مادران به فکر بچه‌هاش هست، - مادرها برای دختران جهیزیه آماده می‌کند، حتی قبل از سنین ازدواج اگر چیز خوبی به دستشان برسد برای جهیزیه دخترشان کنار می‌گذارند- ایشان هم وصیت می‌کند اثاث خانه را، اولاً ام‌کلثوم البته در نقل‌ها به خانم زینب هم ام‌کلثوم اطلاق شده - را در آغوش می‌گیرد و به امام علی(ع) وصیت می‌کند که وقتی بالغ شد اثاث خانه‌ام برای ایشان باشد.

یک نقل درد آوری هم ابن فثاه در «؛روضه الواعظین» دارد که در صفحه 168 نقل می‌کند که بی‌بی دو عالم به شهادت رسید مردم هجوم آوردند، چاپلوسان برای عرض تسلیت آمدند می‌گویند، حسنین(ع) کنار امام علی(ع) نشسته بودند و مردم به گریه آن دو تا بچه گریه می‌کردند، معلوم می‌شود که داغ خیلی سنگین بوده، بعد دارد، مردم چیز خیلی عجیب می‌بینید نگاه می‌کنند یک دختر بچه‌ای با نام ام‌کلثوم گفتیم که احتمالاً حضرت زینب(ع) بوده - وارد می‌شود، در حالی که یک برقع بر سر داشته است، برقع مقنعه خالی نیست بلکه نه تنها سر بلکه صورت را هم می‌پوشاند و روی این برقع ردایی بود، ردا یک پارچه مستطیل شکل است که سرتاسر بدن را می‌پوشاند.

ایشان یک برقع داشت و صورت پوشیده بود و این ردا هم تمام بدن را پوشانده بود، مطلب عجیب این است که این ردا به زمین کشیده می‌شد بعضی استفاده کردند که این ردای حضرت زهرا(ع) بوده است، یعنی خانم زینب(س) از همان ابتدا چادر مادر را بر سر کرده و همچون مادر آماده شده تا از حریم امامت و ولایت دفاع کند لذا تا لحظات آخر در کنار امام حسین(ع) بود.

بعضی این صحنه‌های جان سوز را تحمل نمی‌کنند، مانند ام‌ایمن که از مدینه رفت، هر چقدر گفتند ام‌ایمن اینجا مدینه پیغمبر است، ام‌ایمن این زن بهشتی که بهشتی بودنش را پیامبر(ص) تأیید کرده فرمود: من مدینه بودن فاطمه را نمی‌خواهم!! یک چنین حالتی داشت.

یک بحث و نکته تربیتی اینجا پیش می‌آید، خانم با یک حجاب کامل وارد می‌شود یعنی حضرت زهرا(س)، دختر چند سالشه که حداکثر گفتند 4 سال، با یک حجاب کامل تربیت کرده است.